

پرسش ۴۵۷: آیا اسلام عشق را حرام کرده است؟

السؤال/ ۴۵۷: السلام عليكم سيدي ومولاي وصي ورسول الإمام المهدي. عفواً لهذا السؤال لكنني أود الإجابة عنه؛ لأنه وُلد صراع في داخلي، هل الدين الإسلامي حرم الحب بين المرأة والرجل إذا كانت نية زواج وارتباط رسمي، هل يجوز للمرأة أم أنه محرم؟ إنني أعتذر لهذا السؤال وأترجاكم أريد السيد أحمد الحسن يجاوب على سؤالي.

المرسلة: الطالبة الجامعية- العراق

سؤال / ۴۵۷: سلام عليكم آقا و مولایم وصی و رسول امام مهدي (ع). از پرسیدن این سؤال معذرت می خواهم، ولی دوست دارم به آن پاسخ دهید، چون در درون من درگیری به وجود آورده ست، آیا دین اسلام عشق بین زن و مرد را حرام نموده است البته اگر نیت ازدواج و ارتباط رسمی باشد، آیا این کار برای خانم جایز است یا حرام؟ از این سؤال معذرت خواهی می کنم و می خواهم سید احمد الحسن به این سؤال پاسخ دهد.

فرستنده: دختر دانشجوی در دانشگاه - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

الله سبحانه وتعالى شرع قانوناً للعلاقة العاطفية والجنسية بين المرأة والرجل باعتبارهما ذكراً وأنثى، وهو عقد الزواج الذي يشترط فيه الشاهدان على العقد أو الإشهار بعد العقد إن لم يكن هناك شاهدان .. وهذا ليضمن حقوق المرأة وثمره الاتصال بين الأنثى والذكر البشريين ...

خداوند سبحان و متعال قانونی برای ارتباط عاطفی و جنسی بین زن و مرد به اعتبار این که مذکر و مؤنث هستند قرار داده و آن همان عقد ازدواج که شرط آن قرار دادن دو نفر شاهد بر عقد یا اگر دو شاهد نبود، بعد از عقد آن را علنی کنند... و این مسئله حقوق زن و نتیجه اتصال بین زن و مرد بشری را ضمانت می کند...

ويعلم الله إني سأحاول النصح لك ولكل فتاة مؤمنة لعلمكم تضعون أقدامكم على سبيل صحيح يضمن لكم حياة طيبة وكريمة.

خداوند می داند که سعی من طلب نصیحت برای شما و هر دختر مومنی است، تا قدم هایتان را در راه صحیحی بگذارید، که تضمین کننده زندگی پاک و زیبایی برای شماست.

إن ما تسمينه أنت حب فهو في الحقيقة لا يتعدى مسألة الإعجاب بالشكل أو المظهر أو بعض التصرفات والكلمات التي معظمها غير حقيقية ومتكلفة وبعيدة عن واقع الشخصية الحقيقية للمرأة أو الرجل

همانا آن چه شما آن را عشق می نامید در حقیقت چیزی نیست جزء پسندیدن شکل یا ظاهر فرد یا بعضی از رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیر واقعی بوده و از شخصیت حقیقی زن یا مرد به دور است

ولتعلمي أنه مجرد إعجاب بمظاهر بعضها غير حقيقي، انظري إلى الواقع الخارجي، فلا أريد أن أقول أكثر مما يقوله الواقع الخارجي، ومما

قالتة الأبحاث والدراسات الاستقرائية للواقع الخارجي، التي تبين ومن خلال استقراء الواقع الخارجي أن ما يسمى بالحب أو علاقة الحب بين المرأة والرجل تنتهي بعد الزواج بفترة ليست بطويلة أو بعد المعاشرة الزوجية كما في الغرب اليوم، وربما في أحسن الأحوال لا تتعدى سنوات قليلة

و بدان که آن‌ها فقط پسندیدن چیزهای ظاهری است که بعضی از آن‌ها واقعی نیستند، به واقعیت عملی نظر کن، نمی‌خواهم بیشتر از آن چیزی که واقعیت عملی می‌گوید، بگویم، و هر آن‌چه که مباحثات و دروس استقرایی برای واقعیت عینی گفته‌اند، که از خلال بررسی واقعیت عملی آن‌چه که عشق یا دوستی بین زن و مرد نامیده می‌شود این علاقه بعد از مدت نه چندان طولانی بعد از ازدواج یا بعد از زندگی زناشویی به پایان می‌رسد همان‌طور که امروزه در غرب می‌باشد و چه بسا در بهترین حالات از چند سالی هم عبور نمی‌کند.

بينما الحب الحقيقي لا يمكن أن ينتهي ليس بعد سنوات بل وحتى بعد الموت ومفارقة هذه الدنيا

در حالی که عشق حقیقی امکان ندارد که بعد از سال‌ها از بین برود، حتی بعد از مرگ و جدایی از این دنیا از بین نمی‌رود.

فالحب الحقيقي والحي والباقي هو حب الله سبحانه وتعالى؛ لأنه مرتبط بالحي الباقي سبحانه وتعالى، وبالتالي فكل حب مرتبط بهذا الحب سيكون حياً بحياة هذا الحب الحقيقي، فحب المرأة قرينها أو حب الزوج قرينته لأجل الله وطاعة لله، ولأجل أن قرينه قريباً من الله مطيعاً لله سيكون حياً حياً وحقيقاً؛

عشق حقیقی و زنده و ماندگار، همان عشق خداوند سبحان و متعال است؛ چون با خداوند سبحان زنده و ماندگار مرتبط است، و در آخر هر دوست داشتن که با این دوست داشتن مُرتبط باشد، با زنده بودن این دوستی حقیقی باقی خواهد ماند، دوستی زن با شریکش و یا دوست داشتن شوهرش به خاطر خدا و اطاعت از خداست، و به این خاطر که همراهش نزدیکی به خداوند و مطیع خداوند است، و این دوستی زنده و حقیقی خواهد بود؛

لأنه في الحقيقة نابع من حب الله ... ومن بیده القلوب ويقلبها كيف يشاء غير الله سبحانه وتعالى؟ فهو القادر أن يديم حباً بين زوجين بني على حبه هو سبحانه وتعالى.

چون در حقیقت از دوستی خداوند سرچشمه می‌گیرد... و کسی که در دستانش دل‌ها می‌باشد و آن را تغییر می‌دهد، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال می‌خواهد؟ او تواناست تا دوستی بین زوجینی را که بر دوستی خداوند سبحان و متعال بنا نهاده شده را دائمی نماید.

ولهذا حث الرسول المؤمن أن يتحرى صاحبة الدين ويقتنر بها، وكذا حث المرأة أن تتحرى صاحب الدين وتقتنر به، وفقك الله كوني كريمة عزيزة مطيعة لله سبحانه الكريم الذي لا يضيع أوليائه ويرحمهم في الدنيا والآخرة، فهو القادر أن يجعل من المؤمنة التي تتوجه إليه رغبة به سبحانه وتعالى أن تقتنر بإنسان مؤمن وصاحب دين.

و به همین خاطر رسول اکرم(ع)، انسان مومن را تشویق نموده که دختر مؤمن را انتخاب کرده و با وی شریک شود، و هم‌چنین زن را تشویق نموده تا فرد مؤمن را انتخاب و همراه او باشد، خداوند شما را توفیق دهد، کریم و با عزت و مطیع خداوند سبحان و کریم باش، خداوندی که دوستانش را از بین نمی‌برد و در دنیا و آخرت به آنان

رحمت و مهربانی می‌کند، او قادر است تا دختر مومنی را که به او -سبحانه و تعالی- توجه کرده، همراه با انسان مومن و صاحب دین نماید.

أما العلاقات التي تسمى بالحب قبل عقد الزواج والاقتران فهي في الحقيقة في كثير من الأحيان تكون سبباً لأن تفقد المرأة عزتها وكرامتها وعفتها، فالمفروض بالمؤمنة الكريمة العزيزة أن تتجنب هذا الأمر وتجعل عاطفتها وحبها تتوجه إلى الشخص المؤمن الصالح الذي تقترن به بالعقد الشرعي.

اما علاقه‌هایی که قبل از عقد ازدواج و همراهی، دوست داشتن نامیده می‌شود، در حقیقت در بیشتر اوقات علتی می‌شود که زن عزت و کرامت و عفتش را از دست بدهد، کاری که دختر مومن و کریم و عزیز باید انجام دهد این است که از این مسئله دوری کند و عاطفه و دوستی‌اش را متوجه فردی کند که مومن و شایسته و با عقد شرعی با او همراه شده است.

والمفروض أن تجعل المؤمنة ثقتها بالله وتتوكل عليه وتطلب منه سبحانه أن يجعل من تقترن به إنساناً مرضياً عنده حقيقة، وبالتالي تعيش معه في الأيام التي قدرها الله لها في هذه الدنيا حياة كريمة عزيزة يحفها الحب والمودة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

دختر مومن باید به خداوند اعتماد داشته باشد و به وی توکل نماید و از خداوند سبحان بخواهد که انسانی را که همراهش می‌کند به صورت حقیقی در نزدش مورد مقبول و رضایت است، و در آخر در روزهایی که خداوند برای وی در این دنیا مُقدر کرده یک زندگی با عزت و احترام به همراه عشق و مودت با همسرش داشته باشد.

و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

وهذه بعض النصوص التي تلخص ما توصل إليه بعض علماء الاجتماع من خلال دراسات استقرائية:

در این جا بعضی از متونی که خلاصه نتیجه تحقیقاتی است که بعضی از دانشمندان جامعه‌شناس از خلال بررسی‌های مداوم بدان رسیدند را قرار می‌دهم:

يقول عالم الاجتماع الأمريكي ويليام روبنسون مستنداً إلى استقراء مجموعة قصص حب: (أن العمر الافتراضي للحب هو ثلاث سنوات ليس أكثر بعد الزواج)، ويقول: (عندما يصل الحب إلى نهاية عمره الافتراضي يصبح نوره خافتاً، وقد يتطلب ما يقرب العام حتى يدرك طرفاً علاقة الحب هذه الحقيقة التي تغلفها الحياة المشتركة).

دانشمند جامعه‌شناس آمریکایی ویلیام روبنسون به استناد بررسی مجموعه‌ای از داستان‌های عشق می‌گوید: (عمر احتمالی برای عشق، سه سال و نه بیشتر بعد از ازدواج است)، و می‌گوید: (وقتی که عشق به اواخر عمر احتمالیش می‌رسد، نور آن کم‌رنگ می‌شود؛ و به اندازه تقریباً یک سال زمان لازم است تا طرف مقابل درک نماید که علاقه عشق حقیقتی است که زندگی مشترک از آن غافل گشته است).

وقال: (أن كيمياء المخ المسيطرة على عملية الحب تظل تولد شحنات وشحنات حب وطاقة عواطف لمدة ثلاث سنوات ثم تتوقف تلك الشحنات وكأنها بطارية فرغت، ولا يمكن إطلاقاً إعادة شحنها، ثم تتحول العلاقة القائمة على الحب إلى علاقة دفاء وإخلاق).

وی می‌گوید: (سیستم مغز که عملیات عشق را بر عهده دارد، تولید انرژی و انرژی عشق و نیروی عواطف را برای مدت سه سال تولید می‌کند، سپس آن انرژی‌ها متوقف می‌شوند و گویی همانند باطری خالی می‌ماند که نمی‌توان بار دیگر شارژ آن را برگرداند، سپس آن ارتباطی که بر مبنای عشق بنا شده به دوستی خالی و رهایی تبدیل می‌شود).

البروفيسور سيندي هازان من جامعة كورنيل بنيويورك أجرى دراسة استقرائية على عينة تضم خمسة آلاف رجل وامرأة ينتمون إلى ٣٧ ثقافة مختلفة على مستوى العالم المتقدم والمتخلف، والدراسة كانت عبارة عن مجموعة من الاختبارات النفسية والبيولوجية لقياس مستوى الحب بين كل اثنين متحابين، والنتيجة كانت: (أنه لا يوجد حب يمكنه الاستمرار مدى الحياة، حيث أكدت الدراسة أن الحب لا يعيش مع العلاقة الحميمة إلا لمدة أربع سنوات كحد أقصى، ثم يموت بعدها).

أحمد الحسن أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

پروفيسور سيندی هازان از دانشگاه کورنیل نیویورک آزمایش زمینه‌ای بر عده‌ای که تعداد آن‌ها پنج هزار زن و مرد از ٣٧ فرهنگ مختلف در جهان در سطح جهان پیشرفته و توسعه‌نیافته انجام داد، و این تحقیق عبارت از مجموعه‌ای از آزمایشات روانی و بیولوژی، برای مقایسه میزان عشق بین هر دو فردی که یکدیگر را دوست دارند و نتیجه آن این که: (عشقی وجود ندارد که بتواند در طول مدت زندگی استمرار داشته باشد، و این تحقیق تاکید می‌کند که دوستی با علاقه عمیق فقط تا نهایت مدت چهار سال ادامه پیدا می‌کند، سپس بعد از این مدت از بین می‌رود).

أحمد الحسن أواخر صفر / ١٤٣١ هـ

